Original Article Open Access



Child Rights Journal

2023; 5(18): 1-14

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity

The Iranian Association of Medical Law

The Iranian Association of Child Rights

A Detailed Study and Understanding of the Need to Rethink Children's Rights in the Age of Artificial Intelligence

Zahra Saman[1], Mehrdad Teymouri[2]*

1. Department of Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
2. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Artificial intelligence has proven its effectiveness in various fields, and law and solving legal issues have not been immune from this influence. One of these areas is related to children's rights, where the presence of artificial intelligence can manage and organize many problems in decision-making well. In this article, the objective applications of artificial intelligence in solving children's rights are mentioned, and the capabilities and rules of its application in Iran's legal system are examined.

Method: In this study, Science Direct, Ovid, PubMed, SID, Magiran and Google Scholar search engine using keywords and phrases of artificial intelligence, machine learning and children's rights. "Children's rights", "Convention" were searched. In the case of articles, the years (2015 to 2023) were used. A total of 7 articles related to the purpose of the study were identified and used in the compilation of the study.

Results: By including the responsible use of AI in educational curricula, public participation in decision-making processes, and establishing strong frameworks and regulatory oversight, we can protect the well-being of children interacting with AI-based technologies.

Conclusion: Protecting children in the era of artificial intelligence requires a comprehensive approach that integrates ethics, human rights, and child-centered considerations.

Keywords: Artificial Intelligence; Machine Learning; Children's Rights; Convention

Corresponding Author: Mehrdad Teymouri; **Email:** mehrdadteymoori1@gmail.com

Received: January 26, 2023; **Accepted:** June 24, 2023

Please cite this article as:

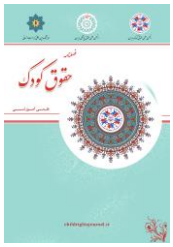
Saman Z, Teymouri M. A Detailed Study and Understanding of the Need to Rethink Children's Rights in the Age of Artificial Intelligence. Child Rights Journal. 2023; 5(18): 1-14.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی

دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۴-۱

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

مطالعه و شناختی دقیق بر لزوم بازاندیشی حقوق کودکان در عصر هوش مصنوعی

زهرا سامان[۱]، مهرداد تیموری[۲]*

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هوش مصنوعی در عرصه های مختلف، کارآمدی خود را به اثبات رسانده که حقوق و حل مسائل حقوقی نیز از این نفوذ مصون نمانده است که در عرصه‌های مختلف حقوقی کاربردهای عینی آن مشاهده شده و قابلیت‌های آتی نیز مورد بررسی است. یکی از این حوزه‌ها، مربوط به حقوق کودکان می‌باشد که حضور هوش مصنوعی بسیاری از مشکلات موجود در تصمیم‌گیری را می‌تواند به خوبی مدیریت و سازماندهی کند. در این مقاله به کاربردهای عینی هوش مصنوعی در حل حقوق کودکان اشاره شده و قابلیت‌ها و قواعد به کارگیری آن در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش: در این مطالعه پایگاه‌های اطلاعاتی Magiran، SID، PubMed، Ovid، Science Direct و موتور جستجوی گوگل اسکالر (Google Scholar) با استفاده از واژگان کلیدی و عبارات هوش مصنوعی «Artificial Intelligence»، یادگیری ماشینی « Machine Learning»، حقوق کودکان «Children's Rights»، کنوانسیون «Convention» مورد جستجو قرار گرفتند. در مورد مقالات، سال‌های (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳) مبنا قرار داده شدند. در مجموع ۷ مقاله کاملاً مرتبط با هدف مطالعه تشخیص داده شده و در تدوین مطالعه مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها: با گنجاندن استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در برنامه‌های درسی آموزشی، مشارکت عمومی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ایجاد چارچوب‌های قوی و نظارت نظارتی، می‌توانیم از رفاه کودکان در تعامل با فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی محافظت کنیم.

نتیجه‌گیری: حفاظت از کودکان در عصر هوش مصنوعی مستلزم رویکردی جامع است که اخلاق، حقوق بشر و ملاحظات کودک‌محور را ادغام کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی؛ یادگیری ماشینی؛ حقوق کودکان؛ کنوانسیون

نویسنده مسئول: مهرداد تیموری؛ **پست الکترونیک:** mehrdadteymoori1@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Saman Z, Teymouri M. A Detailed Study and Understanding of the Need to Rethink Children's Rights in the Age of Artificial Intelligence. Child Rights Journal. 2023; 5(18): 1-14.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

همانطور که سیستم‌های هوش مصنوعی (AI) به پیشرفت خود ادامه می‌دهند، نگرانی‌ها در مورد تأثیر آن‌ها بر جامعه، به ویژه کودکان، در حال افزایش است. ادغام اخلاق و حقوق بشر در توسعه و کاربرد هوش مصنوعی برای کاهش این نگرانی‌ها بسیار مهم است. آموزش کودکان در مورد استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی و معایب و پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی، آن‌ها را قادر می‌سازد تا فعالانه در شکل‌دهی فناوری هوش مصنوعی شرکت کنند.

با این حال، استراتژی‌ها و محصولات هوش مصنوعی موجود توسط دولت‌ها فاقد ملاحظات صریح برای حمایت از کودکان است که نیازمند تلاش‌های مشترک برای تضمین رشد بلندمدت نهادهای دموکراتیک و باورهای اصلی است. استفاده از هوش مصنوعی برای افزایش رفاه کودکان مستلزم ارزیابی دقیق مزایا و معایب بالقوه است. شرکت‌های بزرگ فناوری نباید تنها مسئول شکل‌دهی گفتگو پیرامون استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی باشند. در عوض، تلاش‌های جمعی شامل سهامداران مختلف برای ایجاد اصول مشترک و هدایت توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی در راستای ارزش‌های اجتماعی ضروری است. مورد پلتفرم‌های آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی که کودکان را هدف قرار می‌دهند را در نظر بگیرید. این پلتفرم‌ها تجارب یادگیری شخصی‌سازی‌شده را فراهم می‌کنند و با نیازها و توانایی‌های هر کودک تطبیق می‌دهند.

این مزایا شامل افزایش مشارکت، بهبود نتایج آموزشی و توانایی پاسخگویی به سبک‌های یادگیری فردی است. با این حال، نگرانی‌های اخلاقی زمانی به وجود می‌آیند که الگوریتم‌های هوش مصنوعی مقادیر زیادی از داده‌های شخصی را ردیابی و تجزیه و تحلیل می‌کنند که به طور بالقوه حقوق حریم خصوصی کودکان را نقض می‌کند (۱). ایجاد تعادل بین مزایای آموزش شخصی و ملاحظات حفظ حریم خصوصی مستلزم ارزیابی دقیق و مشارکت ذی‌نفعان برای ایجاد دستورالعمل‌هایی است که از حقوق کودکان و در عین حال بهره‌برداری از مزایای هوش مصنوعی محافظت می‌کند.

اسباب‌بازی‌های هوشمند و متصل که اینترنت اسباب‌بازی‌ها را تشکیل می‌دهند، زمان بازی و تعامل بهتری را برای کودکان ارائه می‌کنند. با این حال، این اسباب بازی‌ها می‌توانند عواقب منفی ناخواسته‌ای نیز داشته باشند. نقص‌های امنیتی در اسباب بازی‌های هک‌شده ممکن است کودکان را در معرض محتوای آزاردهنده قرار دهد که منجر به ناراحتی روانی شود.

اتکای بیش از حد به اسباب‌بازی‌های هوشمند به طور بالقوه می‌تواند منجر به انزوای اجتماعی شود و مانع توسعه اجتماعی سالم شود. سناریویی را تصور کنید که در آن کودک با یک اسباب بازی هوشمند و متصل که قابلیت تشخیص گفتار دارد، تعامل می‌کند، در حالی که اسباب بازی کودک را درگیر مکالمه می‌کند و سرگرمی فراهم می‌کند، آسیب‌پذیری‌های امنیتی ممکن است کودک را در معرض محتوای مضر یا نامناسب قرار دهد.

به عنوان مثال، اگر اسباب بازی هک شود، می‌تواند پیام‌های ناراحت‌کننده یا خشونت‌آمیزی را ارسال کند و باعث ترس روانی در کودک شود. چنین حوادثی نیاز به اقدامات امنیتی و نظارت قوی را برای اطمینان از اینکه اسباب بازی‌های هوشمند و متصل به سلامت کودکان در اولویت قرار می‌دهند و از آن‌ها در برابر آسیب‌های احتمالی محافظت می‌کند، برجسته می‌کند.

قوانین موجود و استانداردهای اخلاقی برای هوش مصنوعی فاقد مقررات خاصی در مورد کودکان و اسباب

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

بازی‌های هوشمند و متصل هستند. برای کاهش خطرات احتمالی، باید چارچوب‌های جامعی با تمرکز بر حمایت از کودکان ایجاد شود.

نظارت نظارتی باید ایمنی، امنیت و حریم خصوصی تعامل کودکان با اسباب‌بازی‌های مبتنی بر هوش مصنوعی را تضمین کند. آموزش والدین و مراقبان در مورد تأثیر هوش مصنوعی بر زندگی کودکان برای استفاده و نظارت مسئولانه بسیار مهم است.

استفاده از ربات‌های گفتگوی مبتنی بر هوش مصنوعی را در نظر بگیرید که برای کمک به کودکان در خدمات حمایت از سلامت روان طراحی شده‌اند. هدف این چت‌بات‌ها ارائه کمک‌های در دسترس و فوری است. با این حال، نگرانی‌های اخلاقی زمانی به وجود می‌آید که به دقت و اثربخشی پاسخ‌های چت‌بات به ویژه در موقعیت‌های حساس مطرح می‌شود.

کودکان ممکن است به شدت به این ربات‌های چت تکیه کنند و به طور بالقوه نیاز به مداخله انسانی یا مراقبت شخصی را نادیده بگیرند. پرداختن به شکاف‌های اخلاقی با اطمینان از شفافیت در توسعه و عملکرد چت ربات‌های هوش مصنوعی، تأکید بر اهمیت نظارت انسانی و ارائه دستورالعمل‌های روشن برای استفاده مناسب برای محافظت از رفاه عاطفی کودکان، بسیار مهم است.

در شکل‌دهی مقررات هوش مصنوعی، ضروری است که دیدگاه‌ها و صدای مردم، به ویژه والدین، مربیان و خود کودکان درج شود.

اطمینان از دسترسی و مشارکت در مشارکت عمومی، حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند. همکاری بین‌المللی و اشتراک دانش به ایجاد استانداردهای جهانی کمک می‌کند که از کودکان در برابر آسیب‌های احتمالی مرتبط با فناوری‌های هوش مصنوعی محافظت می‌کند. اجازه دهید یک کنسرسیوم بین‌المللی را تصور کنیم که بر ایجاد دستورالعمل‌های اخلاقی برای هوش مصنوعی در محصولات و خدمات کودکان تمرکز دارد. این کنسرسیوم شامل نمایندگانی از دولت‌ها، دانشگاه‌ها، کارشناسان صنعت، گروه‌های حمایت از کودکان و والدین است.

آن‌ها در گفتگوهای باز شرکت می‌کنند، تحقیقات انجام می‌دهند و برای ایجاد چارچوب‌های جامعی که حمایت از کودکان را در اولویت قرار می‌دهد، همکاری می‌کنند. از طریق مشاوره‌های عمومی، جلسات تالار شهر و انجمن‌های آنلاین، آن‌ها بینش‌هایی را از دیدگاه‌های مختلف، از جمله والدین، مراقبان و خود کودکان جمع‌آوری می‌کنند (۲).

این رویکرد فراگیر تضمین می‌کند که مقررات هوش مصنوعی منعکس‌کننده نیازها و نگرانی‌های جوامع مختلف است و اعتماد و مشروعیت را در فرآیند تصمیم‌گیری تقویت می‌کند. همکاری بین‌المللی امکان به اشتراک‌گذاشتن بهترین شیوه‌ها و توسعه استانداردهای شناخته‌شده جهانی را فراهم می‌آورد و از رویکرد پراکنده حفاظت از کودکان در چشم‌انداز هوش مصنوعی جلوگیری می‌کند. حفاظت از کودکان در عصر هوش مصنوعی مستلزم رویکردی جامع است که اخلاق، حقوق بشر و ملاحظات کودک‌محور را ادغام کند. با گنجاندن استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در برنامه‌های درسی آموزشی، مشارکت عمومی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ایجاد چارچوب‌های قوی و نظارت نظارتی، می‌توانیم از رفاه کودکان در تعامل با فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی محافظت کنیم.

ادامه همکاری و همکاری بین‌المللی برای ایجاد محیط‌های هوش مصنوعی فراگیر، ایمن و اخلاقی برای کودکان در سراسر جهان حیاتی است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

۱. حقوق کودکان؛ حلقه مفقوده مقررات هوش مصنوعی: فناوری‌ها به سرعت در حال پیشرفت بوده و تکثیر موارد اثرگذاری آن‌ها در زندگی بشر در حال افزایش است.

هوش مصنوعی (AI) به عنوان سنگ بنای نوآوری‌های تکنولوژیکی اخیر و توسعه و گسترش سریع آن نگرانی‌های جدی را در سطوح مختلف و در زمینه‌های متعدد برانگیخته است.

عدم توجه به سن کاربران به عنوان یکی از ماهیت‌های خدمات دیجیتال یکی از نگرانی‌های جدی پیرامون توسعه و گسترش سریع هوش مصنوعی نیز است.

این نقیصه نخست در پی فراگیرشدن تلفن‌های همراه و دسترسی به اینترنت و متعاقب آن شبکه‌ها و پلتفرم‌های اجتماعی خود را به اشکال مخاطره‌آمیزی نشان داد؛ یکی از پیامدهای این روند جوان‌شدن قربانیان قاچاق جنسی و مواد مخدر بوده و است.

بررسی‌ها ثابت کرده‌اند که در خدمات دیجیتال الگوریتم‌ها قادر به آشکارکردن روان‌شناسی انسان هستند؛ این موضوع در کنار عدم توجه به سن کاربران به عنوان یکی از عناصر ماهیتی خدمات دیجیتال سبب شده تا کودکان بیشتر در معرض استثمار در شبکه‌های اجتماعی و مجرمان قرار داشته باشند.

از جمله معضل‌های ملموسی که فضای خارج از کنترل آنلاین برای کودکان ایجاد کرد، ناپدید و استثمارشدن و مورد آزار و اذیت‌های آنلاین گرفتن کودکان بود.

رشد حدود ۷ هزار درصدی موارد سوءاستفاده از کودکان در فضای آنلاین بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ نشان‌دهنده ناکافی‌بودن اقدام‌های پیشگیرانه کشورهای مختلف برای مقابله با بحران‌های ناشی از بی‌در و پیکربودن فضای آنلاین است (۳).

۲. مواجهه‌های ناخوشایند کودکان با هوش مصنوعی: به تازگی خبری از اسپانیا منتشر شد که بر اساس آن بیش از ۲۰ دانش‌آموز دختر اسپانیایی تصاویری برهنه از خودشان دریافت کرده‌اند که با کمک هوش مصنوعی تهیه شده است.

این تصاویر که بسیار واقعی به نظر می‌رسند، بر اساس عکس‌های معمولی دختران مذکور در شبکه اجتماعی اینستاگرام با کمک برنامه «ClothOff» بازسازی شده و در برنامه واتس‌اپ به گستردگی منتشر شدند.

شعار «ClothOff» که برای ارائه تصاویر برهنه بر اساس عکس‌های پایه مبالغی را دریافت می‌کند، «هر کسی را برهنه کنید؛ دختران را مجانی برهنه کنید» است، در نتیجه برخی از این دختران مذکور هدف اخاذی قرار گرفتند.

انتشار این عکس‌ها که در رده تصاویر هرزه‌نگارانه از کودکان قرار می‌گیرند، چالشی جدی برای این کودکان و خانواده‌هایشان از یکسو و مقام‌های اسپانیایی از سوی دیگر رقم زد.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که خلافکاران و مجرمانی در سراسر جهان در حال به اشتراک‌گذاشتن تصاویری هستند که شباهت فوق‌العاده‌ای به عکس‌های واقعی دارند.

بنیاد دیده‌بان اینترنت به عنوان یکی از سه سازمان در جهان که مجوز رسمی برای جستجوی محتوی سوءاستفاده جنسی از کودکان در اینترنت را دارد، نخستین تصاویر سوءاستفاده جنسی از کودکان را با هوش مصنوعی در ماه مه سال جاری ثبت کرد.

بر اساس اعلام این بنیاد، محققان تا آخر ماه ژوئن سال جاری ۲۹ وب‌سایت و هفت صفحه مجازی که در آن آلبومی از این تصاویر هوش مصنوعی به اشتراک گذاشته بود، کشف کردند (۴).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

۳. هوش مصنوعی، مخاطره‌ای دوچندان برای کودکان:

الگوریتم‌های هوش مصنوعی از چندی پیش شروع به ایفای نقش‌های مختلفی در اکوسیستم‌های دیجیتالی کودکان کرده‌اند؛ اکنون این الگوریتم‌ها در اسباب‌بازی‌ها، برنامه‌ها و سرویس‌هایی که کودکان روزانه با آن‌ها تعامل دارند، تعبیه شده‌اند.

چنین سیستم‌های هوش مصنوعی با دیدگاه خوش‌بینانه اولیه نسبت به این فناوری پیشرفته می‌توانند دربردارنده مزایای بسیاری برای کودکان باشند، اما بررسی‌ها و مطالعات نشان دادند که این عضو تازه‌وارد زندگی بشر چندان که نشان می‌داد، بی‌دردسر نیست.

هوش مصنوعی می‌تواند چیزی شبیه به شمشیر دو لبه باشد؛ این توصیف درستی به ویژه برای کودکان در مواجهه و استفاده از هوش مصنوعی است که الگوریتم‌ها به شکل فزاینده‌ای زندگی آنان را شکل می‌دهند.

با ورود هوش مصنوعی به زندگی بشر و توسعه آن، محافظت از کودکان در برابر سوءاستفاده و استثمار، با منابع موجود تقریباً غیر ممکن شده است.

هوش مصنوعی مخاطرات بسیار جدی‌تری را در این زمینه متوجه کودکان می‌کند، زیرا به مجرمان در تحت نظر داشتن رفتار کودکان برای نفوذ در زندگیشان کمک می‌کند و الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی اطلاعات زیادی را در اختیار مجرمان قرار می‌دهند.

هوش مصنوعی مانند موتورهای جستجو، رسانه‌های اجتماعی و بازی‌های ویدیویی با تبعیت از الگوریتم‌های موجود کلیشه‌های مضر، از جمله نژادپرستی و تبعیض جنسیتی را تداوم می‌بخشند.

قرارگرفتن کودکان در معرض چنین کلیشه‌هایی در جهانی که با سرعت به سمت تشدید جرایم نفرت‌محور پیش می‌رود، می‌تواند پیامدهای هولناکی داشته باشد.

یونیسف در گزارشی می‌گوید که هوش مصنوعی همچنین می‌تواند نابرابری را بدتر و سوگیری را حفظ کند. به عنوان مثال، مدارسی که از یادگیری ماشینی و فناوری هوش مصنوعی برای مرتب‌سازی برنامه‌های دانش‌آموزی استفاده می‌کنند، ممکن است به طور سهوی، اما سیستماتیک انواع خاصی از نامزدها را حذف کنند.

چت «جی‌پی‌تی» یا همان چت‌بات هوش مصنوعی نیز خطری جدی برای کودکان محسوب می‌شود.

کودکان به دلیل دقت کمتر در هنگام به اشتراک‌گذاری اطلاعات شخصی خود در برابر نقض داده‌ها آسیب‌پذیرتر هستند.

سرویس‌های هوش مصنوعی می‌توانند با جمع‌آوری اطلاعات شخصی کودک از آن‌ها برای تبلیغات هدفمند یا دیگر اهداف استفاده کنند (۵).

۴. کودکان رباتیک در عصر هوش مصنوعی: هنوز از انقلاب دیجیتال مدت زمان طولانی نگذشته که بار دیگر تحت تأثیر پیشرفت بی‌سابقه تکنولوژی، جهان وارد عصر جدید دیگری، به نام عصر هوش مصنوعی شده است. انقلابی نو معروف به چهارمین انقلاب صنعتی که بدون شک تحولات و دگرگونی‌های بی‌نظیر و بنیادینی در سبک و روش زندگی انسان‌ها در پی‌داشته و خواهد داشت.

امروزه تکنولوژی دنیای ما انسان‌ها را با پیشرفت‌های شگرف در حوزه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، دچار دگرگونی‌های فوق‌العاده‌ای کرده است. کارشناسان معتقد بودند که عصر هوش مصنوعی نباید موجبات نگرانی باشد، بلکه باید «منبع خیر و برکت» باشد، نه‌تنها نباید حقوق بشر را تضعیف، بلکه باید آن را تقویت کند، اما در فروردین سال ۱۴۰۲ گروهی از فعالان فناوری، متخصصان هوش مصنوعی و علاقمندان به این حوزه، از جمله ایلان ماسک (Elon Musk) مدیرعامل توییتر و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

استیو وزنیاک (Steve Wozniak) بنیانگذار اپل در نامه‌ای سرگشاده از آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی درخواست کرده‌اند که تا حداقل ۶ ماه آینده توسعه مدل‌های قدرتمندتر از GPT-4 را متوقف کنند.

در بخشی از این نامه آمده است: «سیستم‌های هوش مصنوعی با هوشمندی قابل رقابت با انسان‌ها می‌توانند ریسک‌های بزرگی را متوجه جامعه و بشریت کنند.» نامه حاضر باور دارد که این ابزارهای پیشرفته می‌توانند تغییر بزرگی را در تاریخ حیات زمین ایجاد کنند و از این رو باید دقیق و با صرف منابع کافی آن‌ها را برنامه‌ریزی و مدیریت کرد و توسعه هوش مصنوعی باید تحت کنترل دربیاید.

این نامه اضافه می‌کند: «متأسفانه این سطح از برنامه‌ریزی و مدیریت فعلا به چشم نمی‌خورد، هرچند که آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی در ماه‌های اخیر وارد رقابتی خارج از کنترل برای توسعه و پیاده‌سازی ذهن‌های دیجیتالی قدرتمندتری شدند که هیچ کس ـ نه حتی سازندگانشان ـ نمی‌توانند آن‌ها را بفهمند و پیش‌بینی یا به شکلی قابل اطمینان کنترل کنند.»

گری مارکوس (Gary Marcus) استاد بازنشسته افتخاری دانشگاه نیویورک که از امضاکنندگان این نامه بوده است، درباره آن به خبرگزاری رویترز می‌گوید: این نامه بی‌نقص نیست، اما روحیه درستی دارد؛ تا زمانی که درک بهتری نسبت به عواقب این فناوری پیدا کنیم، باید سرعت توسعه آن را کاهش دهیم. هوش مصنوعی می‌تواند آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد. بازیگران بزرگ این حوزه روز به روز کارهای خود را مخفیانه‌تر پیش می‌برند، در نتیجه کار جامعه برای ایستادگی در برابر آسیب‌های احتمالی این فناوری سخت‌تر می‌شود (۶).

شرکت OpenAI هنوز به انتشار این نامه واکنشی نشان نداده است. این درخواست در شرایطی مطرح می‌شود که پلیس اتحادیه اروپا هم به جمع سازمان‌هایی پیوست که درباره مسائل اخلاقی و حقوقی مدل‌های هوش مصنوعی پیشرفته، از جمله ChatGPT ابراز نگرانی کرده بودند.

بزرگ‌ترین نگرانی در این زمینه این است که نکند استفاده نادرست از ابزار هوش مصنوعی موجبات خدشه به اصول و ارزش‌هایی مانند صلح، حق احترام به زندگی خصوصی، حق بر آزادی عقیده، آزادی بیان، دموکراسی، قانونمداری، کیفیت و تنوع اطلاعات، خودمختاری و استقلال فرد بشری، اصل برابری میان انسان‌ها و... را فراهم آورد؟ نکند استفاده یاد شده به عدم تعادل قدرت بیانجامد به نوعی که شرکت‌های بخش خصوصی دارای سرمایه هنگفت که هم‌اکنون هم انحصار داده‌ها را در دست داشته، انحصار کاربرد تکنولوژی را نیز در دست گرفته و انسان‌ها را اسیر خود بکنند؟

۵. چارچوب‌گذاری برای هوش مصنوعی یکی از چالش‌های بزرگ عصر معاصر: در دوگانگی تکنولوژی، امید از یکسو و نگرانی از سوی دیگر، هوش مصنوعی امیدواری‌هایی با وسعت بی‌پایان توأم با تشویش و دغدغه‌های بی‌سابقه را به دنبال می‌آورد. تکنولوژی به خودی خود، نه خوب است و نه بد و آنچه که مهم است، نحوه به کاربردن آن توسط انسان‌هاست، اینکه آیا به نفع بشریت یا مغایر و به ضرر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ در اینجاست که جایگاه و اهمیت چارچوب‌گذاری نمود پیدا می‌کند.

در مورد این تکنولوژی جدید نیاز هست هرچه زودتر حد و مرزها تعیین شده، مطابق با اصول و ارزش‌های بنیادی جوامع دموکراتیک به آن سمت و سو داده شود. گفته می‌شود چارچوب‌گذاری برای هوش مصنوعی یکی از چالش‌های بزرگ عصر معاصر بوده و تدارک آن از الویت‌هاست و حتی جنبه فوری و اورژانسی دارد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

تنها از این طریق می‌توان آن تعادل لازم میان آزادی تحقیق و نوآوری و استفاده از پتانسیل‌های قوی تکنولوژی یادشده از یکسو و حمایت از ارزش‌های بنیادی مشترک جوامع دموکراتیک از سوی دیگر را به وجود آورد. هدف این است شرایط فراهم آمده، فضایی همراه با اعتماد و مسئولیت که در آن هوش مصنوعی مطابق با ضوابط حقوق بشری به طور مسئولانه و شفاف مورد استفاده قرار گرفته، شکل بگیرد (۷).

۶. ماهیت فرهنگی، اخلاقی و انسانی تکنولوژی: نکته بسیار مهمی که نباید مغفول واقع شود، این است که کودکان انسان‌های آسیب‌پذیری هستند و به مراقبت و حمایت برای گذر از دوره کودکی نیازمندند و ایفای حقوق آنان بر سلامت و مصونیت در برابر خطرات بسیار مهم است. حقوق کودک، یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر است، زیرا اگر کودکان از مراقبت و حقوق کافی برخوردار نباشند، نمی‌توانند در سایه این حقوق از سلامت روحی و جسمی برخوردار شده و حضوری مفید در جامعه بشری داشته باشند.

در عصر هوش مصنوعی همه ابعاد زندگی بشر، تحت تأثیر پیشرفت‌های شگرف تکنولوژی و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته است. زندگی کودکان نیز به دنبال این پیشرفت‌ها دچار دگرگونی‌های بی‌سابقه‌ای شده است. باید توجه کرد که در عصر هوش مصنوعی خطرات بسیاری کودکان را تهدید می‌کند و شرایطی فراهم می‌شود که حقوق آنان نقض یا محدود شود. حال سؤال این است که از منظر سیاسی و حقوقی چه تکالیفی بر عهده دولت‌ها در حمایت از کودکان در عصر هوش مصنوعی است؟ توجه به تکالیف دولت‌ها در حمایت و صیانت حقوق کودکان در سطح بین‌المللی و داخلی ضروری است.

۷. استفاده از محصولات تکنولوژیک به خودی خود موجب تحول فرهنگی در جامعه می‌شود: تکنولوژی فرهنگ خاص خود را همراه می‌آورد و استفاده از محصولات تکنولوژیک به خودی خود موجب تحول فرهنگی در جامعه می‌شود. انسان‌ها وارد عصر جدیدی شده‌اند و بشر هر آن چیزی که درباره آن قصه گفته و رویا بافته سعی خود را کرده که به آن برسد. عصری که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و کاربرد آن‌ها در تمام ابعاد زندگی، جامعه بشری را با تغییراتی بی‌سابقه مواجه کرده است تا جایی که فعالیت‌های روزمره، وظایف شغلی، آموزش و پرورش کودکان و... چنان دگرگون شده‌اند که بشر آن را در هیچ برهه‌ای از زمان تجربه نکرده است.

شکی نیست در آغاز عصر جدید در چارچوب یادشده، یکی با وجه اخلاقی و فرهنگی و آن یکی دیگر با وجه حقوقی، نشأت‌گرفته از مجموعه اصول فلسفی مشترک با تأکید بر انسان‌محوری هوش مصنوعی نقش به سزا در قانونمندکردن این تکنولوژی نوظهور خواهند داشت.

باید خاطرنشان کرد که تکنولوژی بیشتر از اینکه ذاتاً فناورانه باشد، ماهیتی اخلاقی، فرهنگی و انسانی دارد که به خودی خود مخرب نیست و نحوه استفاده از آن است که بسیار مهم است و عدم توجه به اخلاق در مواجهه با تکنولوژی در عصر حاضر سبب خلق پلتفرم‌ها و خدماتی از فناوری‌های هوش مصنوعی شده است که خارج از اراده و کنترل بشر است و در آینده‌ای نه‌چندان دور و با ادامه این روند شاهد شکل‌گیری نظم نوینی در اجتماع بشری خواهیم بود که در روش مواجهه با جامعه و قانون اثرگذار خواهد بود. کارشناسان نگرانند که هوش مصنوعی شاید یک روز ما انسان‌ها را به عنوان تهدید ببینند!! (۵).

۸. لزوم بازاندیشی حقوق کودکان در عصر هوش مصنوعی: امروزه تکنولوژی کلان روایتِ دنیای همه ما انسان‌هاست که با پیشرفت‌های شگرف در حوزه‌های

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، زندگی بشری را دچار دگرگونی‌های فوق‌العاده کرده است. باید گفت گسترش لحظه‌ایِ محیط دیجیتال، از جمله فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌ها، محتواها، خدمات دیجیتال، واقعیت مجازی، هوش مصنوعی، رباتیک، خلق فناوری بلاکچین و ظهور بستر متاورس در ابعاد مختلف زندگی کودکانِ امروز ایفای نقش می‌کند.

در این میان و در عصر اینترنت لزوم بازآفرینی و بازاندیشی حقوق کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه بسیار مهم و ضروری است. حقوق به عنوان یگانه پدیدآورنده قواعد آمرانه که با ضمانت اجرای دولتی همراه است، مهم‌ترین منبع سازنده هنجارها و مبنای تعاملات اجتماعی است. حقوق در فرآیند تعیین هنجارهای رفتار اجتماعی در یک جامعه سیاسی، در واقع به طور دائم ساختارسازی جدید می‌کند، بدین‌معنا که نه‌فقط پاسدار ثبات، نظم و حفظ وضع موجود است، بلکه ساختارها و به تبع آن هنجارهای نویی نیز می‌آفریند.

قانونگذار با تعیین بایدها و نبایدها که تخطی از آن‌ها با ضمانت اجرا و دخالت قوای قهریه همراه است، به طور غیر مستقیم بر سایر هنجارهایی که تعیین‌کننده رفتارهای بیرونی از حوزه قضایی‌اند نیز اثر می‌گذارد. علم حقوق بنا به ماهیت، با مفاهیم انتزاعی و کلیات سروکار دارد. حقوق به طور سنتی، در استدلال‌های خود از گزاره‌های منطق صوری بهره می‌برد و با رویکردی ریاضی ـ مکانیستی به پدیده‌های اجتماعی می‌نگرد. ماهیت حقوق ایجاب می‌کند پیش‌فرض‌های خود را مسلم و قطعی بپندارد و بر مبنای آنچه بدیهی می‌انگارد، دست به تکوین قواعد آمرانه بزند، قواعدی که عام، ثابت و کلی‌اند. هنر و ادعای حقوق این است که چشمان فرشته عدالت بسته است.

طبیعت «حقوق» با موارد، جزئیات و استثنائات سازگار نیست. تناقض آشکاری در رویکرد حقوق به عمل مجرمانه (یا به قول جامعه‌شناسان کج‌روانه و هنجارشکنانه) مشاهده می‌شود، زیرا از یکسو قائل به اراده آزاد و اختیار انسان است و با همین استدلال هم دست به مجازات خاطی می‌زند و از سوی دیگر، از انگیزه و نیت (که اراده و عمل آزادانه هر فرد بر مبنای آن شکل می‌گیرد)، به سادگی چشم‌پوشی می‌کند. این مهم به ویژه در نظام‌های حقوقی نوشته و شریعتمدار به مراتب بارزتر و آشکارتر است، زیرا بدون توجه به انگیزه و نیت، حکم واحدی را در برابر عمل واحد صادر می‌کنند.

کودکان خالق زیباترین احساس‌ها و عشق‌ها، برکت زندگی و سرمایه‌های آینده جامعه به شمار می‌روند. آن‌ها برای رشد و بالندگی خود، نیازمند حقوقی هستند که باید همگان در نظر بگیرند. کودک به نوعی شهروند است و قشری جدا از شهروند نیست. کودک به عنوان یک انسان، دارای حقوق اساسی و مشترک با سایر انسان‌ها است. حقوقی که از آن‌ها به عنوان حقوق بشر یاد می‌شود، حقوقی همچون حق بر آموزش، حق بر شنیده‌شدن، حق بر داشتن غذا، حق بر زیستن، حق بر آشامیدن آب سالم، حق بر بازی و تفریح، حق آزادی بیان، حق برخورداری از صلح. با توجه به مقدمه فوق اینک لازم است نگاهی به حقوق خانواده و به ویژه حقوق کودک در قوانین جاری کشورمان بیندازیم (۱).

بسیاری از قوانین مربوط به کودکان، اعم از حقوقی و کیفری، ناکارآمد و بعضاً فاقد عنصر عدالت و چه بسا برای جامعه زیان‌بخش است. نگرش سنتی به «کودک» و «کودکی» در این قوانین نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کودک امروز ایرانی در عصر هوش مصنوعی باشد. دستاوردهای دو شاخه از علم جامعه‌شناسی، یعنی جامعه‌شناسی روستایی و جامعه‌شناسی شهری تفاوت‌های

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

کاملاً آشکاری از دو شکل سنتی و مدرن از نظام خانواده را بر ما معلوم می‌دارند. به این نحو که تعریف، ساختار، کار ویژه، ماهیت روابط، انتظارات و هدف‌ها در دو شکل از نظام سنتی و مدرن نهاد خانواده به صورت متمایز و قابل سنجشی با هم متفاوت‌اند. این در حالی است که به نظر می‌رسد حقوق خانواده و به ویژه حقوق مربوط به کودک در کشور ما به طور آشکاری متأثر از جوامع روستایی بوده و بر پایه ملزومات و سازوکارهای حاکم بر نظام خانوادگی روستایی/ سنتی شکل گرفته است.

بر پایه اطلاعات آماری در حال حاضر اکثریت جامعه ایرانی شهرنشین است. وانگهی به سبب گسترش شبکه‌های ارتباطی ـ رسانه‌ای و امکان مبادله پرشتاب اطلاعات، جامعه روستایی نیز از تحولات و دگرگونی‌هایی که محصول زندگی شهری است، هم آگاه شده و هم تأثیر پذیرفته است. بنابراین آن تار و پود سنتی که قانونگذار برای وضع قوانین خانواده و کودک مفروض گرفته بود، به شدت در حال ازهم‌گسیختگی است. جامعه شهرنشین امروز ایران به رغم حمل‌کردن برخی از عناصر سنتی مبتنی بر معیشت و فرهنگ روستایی، با پدیده‌های ساختاری و کارکردی نوینی که محصول زندگی شهری است، رو به روست.

این محیط جدید زندگی، قواعد و ملزومات و پیامدهای خود را به خانواده‌ها تحمیل می‌کند. و به تبع آن، آثار، پدیده‌های کج‌روانه و معضلات فردی و اجتماعی جدیدی به بار می‌آورد؛ خانواده‌های هسته‌ای و گسترده، قطع یا کم‌بنیه شده‌اند پیوندهای خویشاوندی، شکاف میان نسلی، انواع نابرابری‌ها، الگوهای مصرف جدید، فضای محدود شهری، فقر چندبعدی و فشارهای روزافزون اقتصادی و تورم، روابط و مناسبات پیچیده و تعریف‌نشده انسانی، عدم پیروی نسل شهرنشین از مشاغل و حرفه‌های موروثی، آلودگی‌های ناشی از فناوری، اشتغال مادران در بیرون از خانه، اختلال در تعریف نقش‌ها، فقدان الگوی اخلاقی ـ رفتاری معین، عدم تطابق میان آموزش‌های رسمی و واقعیت‌های اجتماعی، سیل افسارگسیخته اطلاعات، توزیع نابرابر امکانات و منابع، تضاد، رقابت، فردگرایی تا مرز از خودبیگانگی، تبعیض، خشونت، طلاق، اختلالات روانی پنهان، به همراه آسیب‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی، وضعیتی فرساینده و تنش‌زا ایجاد کرده که تأثیرات آن بر خانواده و به ویژه کودکان بسیار عمیق است.

دیدگاه سنتی قانونگذار با مفروضاتی که در ذهن داشته است مطلقاً قادر به پیش‌بینی این وضع نبوده است. قانونگذار سنتی ما که اساساً اعتباری برای دوران کودکی قائل نبوده و آن را به رسمیت نشناخته و تا بدان حد پیش رفته که کودک را در زمره املاک پدر دانسته است، چرا می‌بایست نگران این باشد که کودک در زندگی شهری و در دوران انتقالی از سنت به مدرنیسم ممکن است با چه مشکلاتی رو به رو شود و از چند جبهه مورد صدمه و آزار قرار گیرد؟

قانونگذاری که هنگام وضع قوانین خصوصیات یک جامعه روستایی محدود با قواعد هنجاری ثابت و همنوایی و همبستگی مکانیکی اعضای آن را پیش رو داشته است، هرگز نمی‌توانسته درکی از شرایط و تحولاتی که در پیش رو بوده است، داشته باشد.

او نمی‌دانسته کودک در خانواده مضطرب شهری که محیط خانواده ناامن می‌شود، به سبب ضعف، نیاز و وابستگی ذاتی‌اش بیش از همه در معرض آسیب‌های جسمی، روانی، عاطفی، آموزشی و بهداشتی و... قرار می‌گیرد. اگر کودک در جامعه روستایی توسط اعضای دور و نزدیک خانواده گسترده‌اش حمایت می‌شد، اینک در شرایط فعلی کودک شهرنشین نیازمند حمایت قانونی، اقدامات پیشگیرانه و قوانین حمایتی دولتی ویژه است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

صرف نظر از تأکید بسیار زیاد دین مبین اسلام بر کرامت انسان، مصالح حکومت ایجاب می‌کند که جهت نیل به توسعه پایدار، کودکان را به عنوان منبع اصلی انسانی و محور اصلی توسعه مورد توجه قرار دهد (۷).

کودکانی که در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که با انواع فشارها و کاستی‌ها مواجه‌اند، به سبب عدم تکافوی انطباق با محیط و کاهش کنترل‌های درونی و نیز به علت اختلال در نظام تنبیه ـ پاداش و غیر عادی‌شدن کنش متقابل آن‌ها با محیط، دچار کج‌روی و نابهنجاری رفتاری می‌شوند که یا در شکل عمل مجرمانه و قانون‌شکنی نمایان می‌شود یا در انواع اختلالات روانی فردی متجلی می‌شود یا هر دو در کودکی که مورد حمایت قرار نگرفته بروز و ظهور خواهد کرد. همه این‌ها برای مسئولان اخبار خوشایندی نخواهد بود چون روند توسعه را با دشواری‌ها و کندی‌ها رو به رو خواهد کرد.

قانونگذار کیفری به جای توجه به شرایط اجتماعی، انگیزه‌ها، علت‌ها و عواملی که موجب می‌شود یک کودک دست به ارتکاب جرم بزند و به جای استفاده از یافته‌ها و پیشنهادهای پژوهشگران و متخصصان علوم اجتماعی (به ویژه جامعه‌شناسی) برای برطرف‌کردن مکانیسم‌های پدیدآورنده فرهنگ بزه‌کارانه، دست به تدوین قوانین عام و کلی و ثابت تنبیه‌گرانه می‌زند و گمان دارد مجازات و کیفرهای سخت می‌تواند موجب کاهش جرم به ویژه در کودکان شود. گویی فرشته عدالت کور است و این همه عواملی که موجب کجروی کودکان می‌شود را نمی‌بیند و فقط شمشیرش را تیز می‌کند.

فرشته عدالتی که «تمییز» را «تبعیض» می‌داند، چنانچه حقوق از یافته‌های علم جامعه‌شناسی برای شناخت بازتاب قوانین مصوبه کیفری استمداد کند، به راحتی در خواهد یافت که در این همهمه «کیفرگرایانه» که راه حل برخورد با کودک قانون‌شکن را فقط مجازات می‌داند و به بهانه «تشفی خاطر خانواده مجنی‌علیه» آن را به یک تصمیم خصوصی فرو می‌کاهد، تا چه حد می‌تواند در کاهش بزه‌کاری کودکان مؤثر باشد؟ همچنین با کمک تحقیقات میدانی است که قانونگذار می‌تواند صدای کم طنین و ضعیف کودکی را که در چهاردیواری امن خانواده و زیردستان ولی قهری خود آزار می‌بینند، بشنود و چاره‌ای برای حفظ کرامت انسانی بیندیشد.

در نتیجه باید گفت: چنانچه بپذیریم جامعه ایرانی در سال‌های اخیر و با توجه به گسترش فضای مجازی دچار تحولات اساسی در همه ابعاد نهادی، ساختاری و کارکردی شده، ناگزیر باید بپذیریم که نهاد خانواده و مناسبات و روابط خانوادگی نیز در جامعه دستخوش دگرگونی شده است. نتیجه منطقی این پذیرش این خواهد شد که قبول کنیم پیش‌فرض‌های قانونگذار ما که مبتنی بر مناسبات جوامع سنتی بوده، امروزه الزماً صادق نیستند. بنابراین قواعد مبتنی بر آن پیش‌فرض‌ها نیز نمی‌توانند اهداف عالیه حقوق را برآورده سازند. در حوزه علم حقوق، مانند همه دیگر علوم استخواندار با نظام مفاهیم از درون دچار تحول شده‌اند.

تعاریف کهن برای این دگرگونی‌ها و استحاله‌های معنایی و مفهومی دیگر بسندگی نمی‌کنند. در حوزه حقوق کودک اصطلاحات بسیار رایج و مهمی نظیر «صغیر»، «صغر»، «رشد»، «بلوغ»، «ولایت»، «حضانت»، «قیمومیت»، «حق و تکلیف ابوینی»، «بدسرپرست»، «بی‌سرپرست»، «تنبیه و تأدیب و اقدامات تربیتی»، «نفقه کودک»، «حمایت از کودک»، «کودک‌آزاری»، «بزه‌کاری اطفال»، «کار کودک»، «مسئولیت کودک» و... با عنایت به دستاوردهای سایر علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی، دارای بار مفهومی جدیدی شده و محتوا و ابعاد تازه‌ای یافته‌اند که با ادراک قانونگذاران پیشین از همین مفاهیم به کلی متفاوت است. به عنوان مثال

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

روزگاری «صغر» یا کودکی صرفاً با معیار سن (تا ۹ سال قمری در دختر و تا ۱۵ سال قمری در پسر) تعریف می‌شد (۵)

امروزه با کمک متخصصان سایر علوم، عوامل دیگری در تعیین سن کودکی و شرط رسیدن به مسئولیت کیفری شناخته شده‌اند. عواملی چون رشد عقلانی، قدرت تمییز اخلاقی، توان کنترل عواطف، میزان نیروی یادگیری مهارت‌های گوناگون، شرایط اقلیمی/ محیطی، وضعیت ژنتیک، وضعیت و روابط خانوادگی، محیط فرهنگی پیرامونی، دسترسی به اطلاعات، تغذیه و... همگی در رسیدن کودک به سن بلوغ و احراز مسئولیت اجتماعی مؤثرند. از این رو تنها شمارش سال‌های قمری که یک کودک پشت سر گذاشته به تنهایی نمی‌تواند نشان دهد که او واقعاً می‌تواند مسئولیت اقدامات خود را بپذیرد. علاوه بر آن، تفاوت‌گذاری جنسیتی برای احراز مسئولیت (به ویژه کیفری) که صرفاً بر مبنای سن کودک (دختر و پسر) باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند یک حقوقدان عادل را قانع کند که عدالت مورد نظر حقوق تأمین شده است.

تحولات چند دهه اخیر، مفاهیم و اصطلاحات رایج علوم را دچار تحول درونی کرده است. علم حقوق با همه اهمیت آن در زندگی اجتماعی انسان و قدرت تأثیرگذاری بی‌بدیلی که در شکل‌دهی و جهت‌بخشی وجدان عمومی و هنجارهای عام رفتاری دارد، در اثر تعامل با سایر علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی، بیش از همه با دگرگونی‌های محتوایی مواجه شده است، به نحوی که حقوقدانان نوگرا و واقع‌بین و عدالت‌جو به تدریج خود را از حصار فرمالیسم حاکم بر نظام‌های حقوقی نوشته بیرون می‌کشند و با توجه به پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی می‌کوشند تا از فرآوردهای سایر علوم و به ویژه جامعه‌شناسی، بازتاب رفتاری قواعد موضوعه را در جامعه مشاهده کنند.

این رئالیسم و واقع‌گرایی حقوقی کمک بزرگی به تغییر وضعیت خواهد کرد. در این نوشتار به ویژه بر نگرش سنتی قانونگذار کهن به حقوق کودک تأکید شد که چگونه با واقعیت‌های اجتماعی دوران شهرنشینی ناهمخوان است و کوشیدیم اثبات کنیم که تعاریف ثابت و کلیشه‌شده در نظام فعلی حقوق کودک در ایران، دیگر ظرفیت و تاب پوشش‌دادن دگرگونی‌های همه‌جانبه‌ای که در جامعه امروز ایرانی تجربه شده‌اند را ندارند و مطلقاً نمی‌توانند اهداف عالیه حقوق را تأمین کنند. از آنجا که صنع و ابداع اصطلاحات جدید، مبانی یک نظام علمی و آن هم علم دامنه‌دار و مهمی چون حقوق را دچار اختلال و نابسامانی می‌کند. به نظر می‌رسد بار دیگر حضور عالمانه دکترین پردازهای فقهی و حقوقی برای رفع کاستی و پرکردن فضای خالی میان ظرف و مظروف ضرورت تام داشته باشد (۴)

به دیگر سخن، یک نیاز جدی وجود دارد که نظریه‌پردازان حقوقی و فقهی با حفظ اصطلاحات این مفاهیم مجرد و انتزاعی را بر مبنای دستاوردهای علوم اجتماعی (و به ویژه جامعه‌شناسی) و نیازسنجی‌های نوین، بازتعریف کرده، حد و رسم آن را معین سازند. از آنجا که یکی از مهم‌ترین تحولات در نظام خانواده پدید آمده است و کودکان بنا به ماهیت بیش از همه دیگر شهروندان نیازمند حمایت حقوقی‌اند و باید یادمان باشد که کودک به نوعی شهروند است و قشری جدا از شهروند نیست، به نظر می‌رسد نقطه عزیمت این تحرکات عدالت‌خواهانه و بشردوستانه می‌بایست از حقوق «کودک ایرانی» آغاز شود.

روش

در این مطالعه پایگاه‌های اطلاعاتی Magiran، SID، PubMed، Ovid، Science Direct و موتور جستجوی گوگل اسکالر (Google Scholar) با استفاده از واژگان

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

کلیدی و عبارات هوش مصنوعی «Artificial Intelligence»، یادگیری ماشینی «Machine Learning»، حقوق کودکان «Children's Rights» و کنوانسیون «Convention» مورد جستجو قرار گرفتند. در مورد مقالات، سال‌های (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳) مبنا قرار داده شدند. در مجموع ۷ مقاله کاملاً مرتبط با هدف مطالعه تشخیص داده شده و در تدوین مطالعه مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها

حقوق کودک یا فرزند مجموعه‌ای از حقوق بشر ویژه کودکان است که بر پشتیبانی و نگهداری از افراد جوان تمرکز دارد. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ (CRC) یک کودک را به عنوان فردی که به سن هجده سال نرسیده است، تعریف می‌کند. حقوق کودکان شامل حق بر عدم تبعیض، حق حیات، حق بقا، حق رشد، حق بر ثبت نام، برقراری ارتباط با هر دو والدین، هویت انسانی و همچنین نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، غذا، آموزش عمومی دولتی، مراقبت‌های بهداشتی و قوانین کیفری مناسب بر اساس سن و رشد کودک، حفاظت برابر از حقوق مدنی کودک و آزادی از تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، منشأ ملی، مذهب، معلولیت، رنگ، قومیت یا سایر ویژگی‌ها. تفسیر حقوق کودکان طیفی از اجازه‌دادن به ظرفیت کودکان برای داشتن اختیار عمل تا اعمال نظر فیزیکی، روانی و احساسی بدون هیچ‌گونه بدرفتاری با کودکان را دربر می‌گیرد. در عصر هوش مصنوعی خطرات بسیاری کودکان را تهدید می‌کند و شرایطی فراهم می‌شود که حقوق آنان نقض یا محدود شود، توجه به تکالیف دولت‌ها در حمایت و صیانت حقوق کودکان در سطح بین‌المللی و داخلی ضروری است. هوش مصنوعی هوشی است که توسط ماشین‌ها ظهور پیدا می‌کند، در مقابل هوش طبیعی که توسط جانوران شامل انسان‌ها نمایش می‌یابد، اما پیش از هر چیز باید این موضوع را دانست که کلمه هوش، نشان‌دهنده امکان استدلال است و اینکه آیا هوش مصنوعی می‌تواند به توانایی استدلال دست یابد یا خیر، خود موضوع اختلاف محققان است.

بحث و نتیجه‌گیری

حفاظت از کودکان در عصر هوش مصنوعی مستلزم رویکردی جامع است که اخلاق، حقوق بشر و ملاحظات کودک‌محور را ادغام کند. با گنجاندن استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در برنامه‌های درسی آموزشی، مشارکت عمومی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ایجاد چارچوب‌های قوی و نظارت نظارتی، می‌توانیم از رفاه کودکان در تعامل با فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی محافظت کنیم. ادامه همکاری و همکاری بین‌المللی برای ایجاد محیط‌های هوش مصنوعی فراگیر، ایمن و اخلاقی برای کودکان در سراسر جهان حیاتی است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

References

1. Von Struensee S. Eye on Developments in Artificial Intelligence and Children's Rights: Artificial Intelligence in Education (AIEd), EdTech, Surveillance and Harmful Content. SSRN Electronic Journal. 2021; 1-54.

2. McStay A, Rosner G. Emotional artificial intelligence in children’s toys and devices: Ethics, governance and practical remedies. Big Data & Society. 2021; 8(1): 1-16.

3. Fosch-Villaronga E, Van der Hof S, Lutz C, Tamò-Larrieux A. Toy story or children story? Putting children and their rights at the forefront of the artificial intelligence revolution. AI & Society. 2023; 38(1): 133-152.

4. Schwitzgebel E, Garza M. A defense of the rights of artificial intelligences. Midwest Studies in Philosophy. 2015; 39: 98-119.

5. Ratner C. When "sweetie" is not so sweet: Artificial intelligence and its implications for child pornography. Family Court Review. 2021; 59(2): 386-401.

6. Tschider CA. Regulating the internet of things: Discrimination, privacy and cybersecurity in the artificial intelligence age. DENv L REv. 2018; 96(1): 87-143.

7. Olstad DL, Boyland E. Towards effective restriction of unhealthy food marketing to children: Unlocking the potential of artificial intelligence. International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity. 2023; 20(1): 61.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2024-10-22]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.